[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

مقالهٔ علمی-پژوهشی

تبیین زیبایی‌شناسی زندگی روزمره در مجموعهٔ داستان کوتاه *عاشقیت در پاورقی*

شهلا خلیل‌اللهی*
مریم موسوی جشوقانی**

چکیده

زیبایی‌شناسی در مکاتب گوناگون فلسفی از افلاطون تا امروز، به‌ویژه در حوزهٔ هنر، طرح شده و پدیده‌ای تاریخی است که دست‌کم به‌لحاظ فلسفی سخت مدیون کانت است. کانت زیبایی را مقوله‌ای مستقل تلقی کرد که لذت ناشی از آن مقید به خود آن مقوله است. یوریکو سایتو، نظریه‌پرداز زیبایی‌شناسی زندگی روزمره، معتقد است که زیبایی‌شناسی زندگی روزمره ضعف زیبایی‌شناسی فلسفی مبتنی بر هنر را برطرف می‌کند؛ به‌این‌ترتیب، نگرش‌ها و قضاوت‌های زیبایی‌شناختی می‌توانند کیفیت زندگی، اخلاق اجتماعی و فرهنگی را به واقعی‌ترین شکل تعیین کنند و وسیلهٔ ضروری برای بیان ارزیابی کیفیت زندگی روزمرهٔ افراد باشند و به انسان قدرتی دهند تا ازطریق تعامل با مصنوعات، محیط اطراف و تعاملات انسانی از تجارب زیبایی‌شناختی لذت ببرد. ازآنجاکه روایت‌های داستانی شامل گزاره‌ها و ظرفیت‌هایی هستند که از بُعد زیبایی‌شناسی زندگی روزمره درخور ارزیابی‌اند و بیشتر آنها در جهان واقع نیز صدق می‌کنند، محققان در این پژوهش برآن شدند تا زیبایی‌شناسی زندگیِ روزمره را برپایهٔ دیدگاه سایتو در سه داستان کوتاه از مجموعه داستان کوتاه *عاشقیت در پاورقی* نوشتهٔ مهسا محب‌علی به روش اسنادی و کیفی با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای تحلیل و تبیین کنند تا به این پرسش پاسخ دهند که مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی زندگی روزمره در این آثار چیست. دستاورد این پژوهش در این سه داستان کوتاه نشان می‌دهد که زندگی روزمرهٔ افراد و نقش اشیاء، مکان و... در این آثار به‌مثابهٔ نماد، در قالب هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی در تعاملات انسانی و... ترسیم شده‌اند. علی‌رغم هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی در تعاملات انسانی، متن داستان‌ها بستر تجربه‌ای است که درنهایت به این آگاهی و حکم منجر می‌شود که ذوق، امر زیبا و امر والا یا برعکس نازیبا در این داستان‌ها به‌طور واقعی شکل یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، داستان کوتاه، زیبایی‌شناسی زندگی روزمره، *عاشقیت در پاورقی*. مهسا محب‌علی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران، نویسندهٔ مسئول، khalilollahi@shahed.ac.ir
**دانش‌آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، mmsv.literature@yahoo.com

CC BY NC

تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۹
دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۲، شمارهٔ۹۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص۱۵۵-۱۸۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی سال ۳۲، شمارهٔ ۹۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص۱۵۵-۱۸۱

Exploring the Aesthetics of Everyday Life in the Collection of Short Stories "*Love in the Footnote*"

Shahlā Khalilollāhi*
Maryam Mousavi Jeshvaghāni**

Abstract

In various philosophical traditions from Plato to the present, aesthetics, especially in art, is a historical phenomenon that owes its philosophical foundation to Kant. He considered beauty an independent concept, with the pleasure derived from it being inherent to that concept. Yuriko Saito, a theorist of everyday life aesthetics, believes that everyday life aesthetics addresses the shortcomings of philosophical aesthetics based on art. Thus, aesthetic perspectives and judgments can determine the quality of life, social ethics, and culture in the most authentic form. They can serve as necessary means for expressing the assessment of individuals' everyday life quality and empower humans to enjoy aesthetic experiences through interactions with artifacts, the surrounding environment, and human interactions. Since narrative accounts contain propositions and capacities that are assessable from the perspective of everyday life aesthetics, and most of them hold true in the real world as well, researchers in this study aimed to analyze and explain the aesthetics of everyday life based on Saito's approach in three short stories from the collection "Your Love in the Footnote" by Mahsa Mohebali, using documentary and qualitative methods with the help of library resources. The findings of this research indicated that the daily lives of individuals and the role of objects, places, etc., were depicted as symbols of deviance from norms and defamiliarization in human interactions. Despite deviance from norms and defamiliarization in human interactions, the texts of stories provide an experiential framework that ultimately leads to the realization and judgment that savor, beauty, the sublime, and its opposite, ugliness, have indeed taken shape in these stories.

Keywords: Aesthetics, Short Story, Everyday Life Aesthetics, *Love in the Footnote*, Mahsā Moheb Ali.

*Associate Professor in Persian Language and Literature of Shāhed University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), *khalilollahi@shahed.ac.ir*
** Ph.D. in Persian language and literature of Shāhed University, Tehran, Iran, *mmsv.literature@yahoo.com*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

۱. مقدمه

زیبایی‌شناسیِ زندگی روزمره امری فلسفی است و تأمل در امر زیبا و امر والا سابقهٔ طولانی و هم‌تراز با دانش فلسفه دارد. عنصر اساسیِ زیبایی در عهد باستان تا رنسانس «نظم» بوده که تا مکتب باروک ادامه داشته، اما با ظهور باروک، مفاهیم پذیرفته‌شده دربارهٔ زیبایی تغییر کرد. گفته‌اند در تاریخ مدون اولین کسی که به مقولهٔ زیبایی پرداخت هراکلیت بود. هواداران فیثاغورث و پولکیت بر این باور بودند که زیبایی را باید بر معیارها و مناسبات خاصی بنا کرد. سقراط زیبایی را بیان روحانی انسان تلقی می‌کرد. افلاطون زیبایی را ارزشی ویژه و هدف‌مند می‌دانست و ارسطو این دیدگاه را تکمیل کرد. در دورهٔ رنسانس، مقررات و معیارهای باستانی در تعریف موضوع زیبایی احیاء شد. این تلاش‌ها کمک بزرگی به گشودن فضای جدید در زیبایی‌شناسی کرد، اما برای پیدایش این پدیده تاریخ دقیقی نمی‌توان تعیین کرد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

زیبایی‌شناسی مدرن می‌کوشد امر زیبا و هنر را تعریف کند. قرن هجدهم را دورهٔ سازندهٔ زیبایی‌شناسی فلسفی مدرن قلمداد می‌کنند. پس از این دوره، مفاهیم اساسی زیبایی‌شناسی شکل گرفتند و این رشتهٔ جدید پا گرفت. البته، مفاهیم زیبایی‌شناسی به زیبایی‌شناسان انگلیسی قرن هجدهم مدیون است؛ چراکه نظریات آنها درباب ذوق، مستقیماً راهنمای نظریات زیبایی‌شناسی است. دراین‌میان، جان لاک و ارل سومِ شافتسبری بیش از بقیه منشأ اثر بودند. هرچند لاک چارچوب آن را برای طرح آرای دیگران فراهم کرد، شافتسبری دیگران را مجاب به پذیرفتن اهمیت فلسفی مفهوم ذوق کرد. ناگفته نماند که شیوهٔ کار او ترکیبی از روش‌های تجربه‌گرایانه و نوافلاطونی بود (شلی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲).

با پاگرفتن زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی، تلاش‌هایی در نیمهٔ دوم قرن بیستم برای گسترش زیبایی‌شناسی تا فراسوی هنرهای زیبا آغاز شد. کم‌وبیش همهٔ نویسندگانی که درباب زیبایی‌شناسی روزمره قلم می‌زنند، از کتاب جان دیویی به نام *هنر به‌منزلهٔ تجربه* الهام گرفته‌اند. این کتاب اولین‌بار در سال ۱۹۳۴ چاپ شد. به‌طورخاص، بحث دیویی در این کتاب، دربارهٔ «به‌دست‌آوردن تجربه‌ای واحد» نشان می‌دهد که تجربهٔ زیبایی‌شناختی در هر جنبه‌ای از زندگی روزانهٔ مردم، از غذاخوردن گرفته تا حل مسئلهٔ ریاضی یا مصاحبهٔ شغلی، امکان‌پذیر است. دیویی با جادادن «امر زیبایی‌شناختی» در سرشتِ نوعی تجربه، به‌عوض قراردادن آن در شیء یا موقعیتی معین، راه را برای مدافعان زیبایی‌شناسی زندگی روزمره گشود تا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

جنبه‌های متعدد زندگی زیبایی‌شناختی انسان‌ها را بدون حد و مرزی ازپیش‌طراحی‌شده بکاود (سایتو، ۱۳۹۶: ۱۷).

مهم‌ترین آثار به‌وجودآمده در قلمرو زیبایی‌شناختی را می‌توان از جوزف ادیسون (*ذوق سلیم و لذات تخیل*)، هاچیسون در کتاب *تحقیق درباب زیبایی، نظم، هماهنگی و طرح*، ادمند برک (*در منشأ تصورات ما درباب امر والا و امر زیبا*)، دیوید هیوم (*معیار ذوق*)، الکساندر جرارد (*رساله در ذوق*)، لرد کامس (*عناصر نقد*) و آرچی بالد آلیسون (*رساله در ماهیت و اصول ذوق*) یاد کرد (شلی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲). اما اولین اثری که عنوان خاص *زیبایی‌شناسی روزمره* دارد اثر کاتیا مندوکی است که با عنوان فرعی *یومیه‌شناسی، بازی فرهنگ و هویت‌های اجتماعی* در سال ۲۰۰۷ منتشر شد. بلافاصله پس از انتشار اثر مندوکی، *زیبایی‌شناسی روزمره* به‌قلم یوریکو سایتو منتشر شد. این‌دو اثر، زیرمجموعه‌ای از رشتهٔ زیبایی‌شناسی فراهم آوردند و با انتشار اثر دیگری با عنوان *امر غیرمعمولی در امر معمولی، زیبایی‌شناسی زندگی روزمره* (۲۰۱۲) از تامس لدی به‌شکلی استوار این موضوع تثبیت شد (همان، ۲۰-۲۱).

۱.۱. بیان مسئله، هدف و پرسش

نویسندگان این نوشتار بین اشیاء، بوها، صداها و دیگر ابژه‌های زندگی روزمره در سه داستان کوتاه از مجموعهٔ *عاشقیت در پاورقیِ* مهسا محب‌علی پیوند می‌یابند و رابطهٔ آنها را در ساختار زیبایی‌شناسی فلسفی زندگی روزمره تبیین می‌کنند. زیبایی‌شناسی زندگی روزمره به مطالعهٔ تجربهٔ زیبایی‌شناسانهٔ پیش‌پاافتاده و اعمال هرروزه محدود نمی‌شود، بلکه این تجربه‌ها خیلی اوقات درمعرض توجه زیبایی‌شناختی قرار می‌گیرند؛ برای مثال، هنگامی که کسی دربارهٔ چیزی تأمل می‌کند یا اعمالی را انجام می‌دهد، ارتباطی میان شخص و شیء به‌وجود می‌آید که به تجربهٔ خاص از آن شیء زیبا منجر می‌شود.

آنچه در متن زندگی عادی و روزمرهٔ اقشار مختلف ایران می‌گذرد، امروز در بستر سینما و ادبیات بازنمایی می‌شود. شیوه‌ای که نویسندگان برای توصیف زندگی مردم انتخاب می‌کنند، ازیک‌سو، ارزش فرم‌گرایانه دارد و ازسوی‌دیگر میزان خلاقیت نویسنده را در تولید امرِ زیبا (اصطلاح فلسفی) نشان می‌دهد. داستان‌های دهه‌های اخیر ایران، به‌ویژه داستان‌های زنان نویسندهٔ دههٔ هشتاد، نمایانگر اوضاع اجتماعی زنان در ایران است که از سنّت گذر کرده و به مدرنیته پا گذاشته‌اند؛ ازاین‌رو، سه داستان کوتاه «عتیقه‌ها»، «عاشقیت در پاورقی» و «هندی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

برقصم» محور این پژوهش هستند. در این داستان‌ها به تبیین مصداق‌هایی مانند بو، سبک زندگی و مکان، روابط زن و مرد و... از دیدگاه زیبایی‌شناسی زندگی روزمره پرداخته‌ایم. سعی بر آن بوده تا به این پرسش پاسخ داده شود که بازنمود زندگیِ روزمره در این سه داستان کوتاه چگونه است و چگونه می‌توان مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی زندگی روزمره را در آنها تبیین کرد.

۱. ۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و به روش اسنادی و کیفی، سه داستان کوتاه از مجموعه داستان‌های کوتاه *عاشقیت در پاورقی* برمبنای مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی زندگی روزمره با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و... تحلیل شده است.

۱. ۳. پیشینهٔ پژوهش

با توجه به بررسی رساله‌ها، کتاب‌ها و مقالات، تحقیقی کاملاً مطابق با این عنوان تاکنون در ایران صورت نگرفته است، پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، رسالهٔ دکتری لاجوردی (۱۴۰۰) با عنوان «زندگی روزمره در ایران مدرن با تأمل بر سینمای ایران» است که به‌صورت کتاب منتشر شده است. احمدی (۱۳۹۸) در کتاب *مدرنیته و اندیشهٔ انتقادی*، به اندیشه و تفکرات زیبایی‌شناسی پرداخته است. مهرگان (۱۳۸۲) در کتاب *زیبایی‌شناسی انتقادی* نوشته‌هایی درباب زیبایی‌شناسی از دیدگاه والتر بنیامین، هربرت مارکوزه و تئودور آدورنو جمع‌آوری کرده است. فرجی در پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشدش (۱۳۹۲) باعنوان «بازنمایی زندگی روزمرهٔ جوانان در سریال فاصله‌ها»، سریال فاصله‌ها را با نگاهی به زندگی روزمرهٔ جوانان تحلیل کرده است. موسوی جشوقانی و همکاران در دو مقالهٔ «نقد زیباشناسی فلسفی داستان بوتیمار به‌مثابهٔ اثر هنری» و «نقد تطبیقی-زیباشناختی دو نمونه داستان کوتاه از نویسندگان زن معاصر در ایران و روسیه با محوریت نظریهٔ بیان کالینگوود» به این نوع نقد درکنار بقیهٔ مؤلفه‌های زیباشناختی فلسفی داستان اشاراتی کرده‌اند.

آثاری در این حوزه در خارج از ایران نوشته شده که برخی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده است، اما هیچ‌کدام بازتاب آن را در داستان جست‌وجو نکرده‌اند. نویسندگانی که در این حوزه نقش مهمی داشته‌اند عبارت‌اند از:

سایتو (اهل ژاپن)، استاد بازنشستهٔ دانشگاه رد آیلند نیویورک، آثاری را به زبان انگلیسی در حوزهٔ زیبایی‌شناسی زندگی روزمره نگاشته که کاوه بهبهانی آنها را ترجمه کرده است. لایت و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

اسمیت (۱۴۰۰) زیبایی‌شناسی روزمره را در کتابی با عنوان *زیبایی‌شناسی زندگی روزمره* بررسی کرده‌اند. فدرستون در مقاله‌ای با عنوان «زیبایی‌شناختی‌کردن زندگی روزمره» (۱۳۸۰) زیبایی‌شناسی روزمره و مؤلفه‌های مربوط به آن را بررسی کرده است. مقالهٔ دیگری با عنوان «توهم زیبایی‌شناختی به‌عنوان یکی از تأثیرات داستان» از ولف (۱۳۸۸) با نگاه خاصی زیبایی‌شناسی را بیان کرده است. در مقالهٔ «زیبایی‌شناسی و مرگ در رمان *ملکوت* بهرام صادقی» به‌قلم بشیری و طاهری (۱۴۰۲)، رابطهٔ مرگ با مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی مدرن چون تناقض، غیاب، و ابهام بررسی شده که به اهمیت‌یافتن جنبه‌های تاریک هستی و امتناع اثر از معیارهای زیبایی‌شناسی کلاسیک و متعارف منجر شده است. در مقالهٔ دیگری با عنوان «زبان دو انگارهٔ زیبایی‌شناختی هم‌سان: تصوف و سوررئالیسم» به‌قلم جعفرزاده و عباسی (۱۳۹۸)، وجوه اشتراک و افتراق دو انگارهٔ زیبایی‌شناسی هنری تصوف و سوررئالیسم ازلحاظ زمینه و زمانهٔ فرهنگی و تاریخی ظهور بررسی شده است. وجوه اشتراکی نیز میان زبان این دو جنبش یافت شده است که نشان می‌دهد هردو از عصیان و تخیل ابتکاری و نمادگرایی و رؤیا و ذهن ناخودآگاه و عشق و شطح یا نگارش خودکار و جذبه و جنون بهره‌مند شده‌اند.

۲. مبانی نظری

امروز، نگرش غالب درباب ادبیات، بعد از رویکرد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اثر، بر بُعد زیبایی‌شناسی تکیه دارد. زیبایی‌شناسی پدیده‌ای تاریخی است که دست‌کم به‌لحاظ فلسفی سخت مدیون کانت است. کانت زیبایی را مقوله‌ای مستقل تلقی می‌کند که لذت ناشی از آن مقید به خود آن مقوله است. به‌تعبیر رایج در زبان‌شناسی، دالی است که مدلول آن هم خود آن است. به‌عقیدهٔ کانت، در *سنجش داوری*، اطلاق زیبایی به فلان امر یا پدیده صرفاً ناشی از تأمل در صورت و ساختار آن است و التذاذ حاصل از زیبایی بلاواسطه است (علایی، ۱۳۸۷: ۱۸۱-۱۸۲).

زیبایی‌شناسی شامل دو رویکرد زیبایی‌شناسی هنرمند و زیبایی‌شناسی مخاطب است که از ارسطو تا امروز ادامه داشته است. بی‌شک، قلمرو زیبایی‌شناختی به‌یک‌معنا مسئله‌ساز نیست و به‌بیان دیگر، گفتمان امر زیبا قبلاً در بستر تاریخ شکل گرفته است، اما زیبایی‌شناسی زندگی روزمره، یعنی امری که به جامعه، مصرف، معماری، مکان، هوا و هرچیز دیگری ممکن است بپردازد، از قرن بیستم به بعد رایج شده است. تمام کوشش هنر مدرن در این‌جهت است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

که به زندگی برگردد و هر امر زیبایی‌شناختی خارج از هنر را به رسمیت بشناسد. البته، این گرایش تازه‌ای است که بر ارزش امر روزمره و زیبایی‌شناسی زیست‌جهان می‌افزاید. در زیبایی‌شناسی مدرن، تلاش برای کنترل زندگی و راهکارهای خردمندانه‌ای است که اهمیت امر گذرا را در زندگی روزمره آشکار می‌کند. کارهایی که فرد در طول روز انجام می‌دهد، مثل خریدکردن، تمیزکردن، مصرف‌کردن، نگه‌داری یا دورریختن برخی چیزها، واکنش‌های عملی ما درمقابل اشیائی هستند که معمولی در نظر گرفته می‌شوند، اما محتمل است که بتوانیم به آنها نگاه زیبایی‌شناختی بیندازیم. اولین چیزی که باید بدانیم این است که زیبایی‌شناسی متعلق به حوزهٔ هنر و فلسفه است، اما هنر نیست و تنها یک نوع نقد و یک نوع نگاه است؛ بنابراین، تعیین ارزش زیبایی‌شناختی اشیاء یک شیوهٔ نقد است و آن اشیاء الزاماً هنری نیستند، بلکه می‌توانند رویکرد ما را به زندگی تازه کنند؛ زیرا نگاه زیبایی‌شناسانه به زندگی روزمره ما را از یأس و احساس بیهودگی ناشی از تکرار می‌رهاند. نقد زیبایی‌شناختی زندگی روزمره در داستان، یک روش ابداعی است که توجه مخاطب را به زندگی جلب می‌کند.

> رشد کپک روی یک تکه نان یا جواهرات پنهان (چیزهایی که در زندگی روزمرهٔ ما پنهان شده‌اند) یا نحوهٔ ظاهرشدن یک لکه روی پارچهٔ کتان، سایهٔ جالبی که توسط یک پنجرهٔ شکسته ایجاد می‌شود و ما به آنها کوچک‌ترین توجهی نمی‌کنیم، چه رسد به اینکه از بعد یک اثر زیبایی‌شناسی آنها را بررسی کنیم (سایتو، ۲۰۰۷: ۲۴۵).

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش تبیین داستان‌های کوتاه معاصر از بُعد زیبایی‌شناسی زندگی روزمره است، می‌توان سه معنا از زیبایی‌شناختی‌کردن زندگی روزمره در دورهٔ معاصر در نظر گرفت:

نخست، می‌توان به آن خرده‌فرهنگ‌های هنری رجوع کرد که دادا و آوانگارد تاریخی و جنبش‌های سوررئالیستی را در جنگ‌جهانی اول و دههٔ بیست قرن بیستم ایجاد کردند و کوشیدند در آثار و نوشته‌هایشان و در بعضی موارد در زندگی‌هایشان در پی محوکردن مرز میان هنر و زندگی روزمره برآیند. هنر پست‌مدرن در دههٔ شصت قرن بیستم در واکنش به آنچه نهادی‌شدن مدرنیسم در موزه و آکادمی تلقی می‌شد، استراتژی این خرده‌فرهنگ‌ها را مبنای کار خود قرار داد. مارسل دوشان که اساساً در جنبش دادائیسم اولیه با آثار انگشت‌نمایَش که از چیزهای دم‌دستی ساخته شده بودند حضور داشت در سال‌های شصت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

قرن بیستم مورد احترام هنرمندان ماورای آوانگارد پست‌مدرن نیویورک قرار گرفت، با توجه به آنچه مطرح شد، حرکتی دوسویه کشف کرد: در وهلهٔ اول، مبارزه‌جویی مستقیمی برضد اثری هنری وجود دارد و تمایل برای هاله‌زدایی هنر و پنهان‌کردن هالهٔ مقدس آن و به‌مبارزه‌طلبیدن احترام آن در موزه و آکادمی. در وهلهٔ دوم، فرض این است که هنر می‌تواند در هر کجا یا در هر چیز مستتر باشد؛ آت‌وآشغال فرهنگ توده‌ای، یعنی کالاهای مصرفی کم‌ارزش می‌توانند هنر تلقی شوند؛ ازاین‌رو، هنر را می‌شود در ضدّاثر یافت؛ مثلاً، در «رخداد»، در اجراهای ازدست‌رفتهٔ ناماندگار که قابلیت عرضه در موزه را پیدا نمی‌کنند. هنر را می‌توان در تن و بدن و ابژه‌های حسی‌ای که در جهان وجود دارند یافت. البته، توجه به این موضوع نیز ارزشمند است که بسیاری از استراتژی‌ها و صناعات هنری دادا و سوررئالیسم و آوانگارد تبلیغات رسانه‌های گروهی در درون فرهنگ مصرفی به‌کار گرفته شده‌اند.

دوم اینکه زیبایی‌شناختی‌کردن زندگی روزمره می‌تواند مبین طرح تبدیل زندگی به اثری هنری باشد. البته، جاذبهٔ این پروژه برای هنرمندان و روشن‌فکران بالفعل و هنرمندان و روشن‌فکران بالقوه قصه‌ای دراز دارد؛ برای مثال، جی. ای. مور استدلال کرد که بزرگ‌ترین خبرها در زندگی دربرگیرندهٔ عواطف شخصی و لذاید زیبایی‌شناختی‌اند. شکلی مشابه از اخلاق زندگی به‌مثابهٔ اثر هنری را می‌توان در نوشته‌های والتر پتر و اسکار وایلد به چشم دید و از دید وایلد، زیبایی‌شناسی آرمانی باید خود را در صور عدیده و از هزار راه گوناگون تحقق بخشد و مشتاق و جویای احساسات نو باشد. دراین‌باره می‌توان ادعا کرد که پست‌مدرنیسم، خصوصاً نظریهٔ پست‌مدرن، پرسش‌های زیبایی‌شناختی را در مرکز توجه قرار داده است.

سومین معنای زیبایی‌شناختی‌کردن زندگی روزمره به شیوع سریع نشانه‌ها و تصویرهایی بازمی‌گردد که اجزای زندگی روزمرهٔ جامعهٔ امروزی را در خود غرق می‌کند. نظریه‌پردازی دربارهٔ این فرآیند بیشتر ازنظر مارکس درباب بت‌وارگی کالاها نشئت گرفته است، نظریه‌ای که لوکاچ و مکتب فرانکفورت، بنیامین، هاگ، لفور، بودریار و جیمس آن را از جهات گوناگون بسط و گسترش داده‌اند. ازنظر آدورنو، استیلای فزایندهٔ ارزش مبادله نه فقط ارزش مصرف اصیل اشیاء را از بین می‌برد و آن را با ارزش مبادلهٔ انتزاعی جایگزین می‌کند، بلکه کالا را آزاد می‌گذارد تا ارزش مصرفی بدلی و ثانوی به خود گیرد؛ یعنی همان که بودریار، بعدها، به‌عنوان ارزش-نشانه از آن یاد کرد (فدرستون، ۱۳۸۰: ۱۸۸-۱۹۰).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

زیبایی‌شناسی زندگی روزمره، تازه‌ترین یافته‌های گفتمان زیبایی‌شناسانه است که در زیبایی‌شناسی انگلیسی و آمریکایی اواخر قرن بیستم جای دارد. درواقع، واکنشی علیه محدودیت بیش از اندازهٔ گسترهٔ زیبایی‌شناسی است. هدف زیبایی‌شناسی روزمره این است که به تمام وجوه چندگانهٔ زیبایی‌شناسی زندگی مردم توجه کند؛ اجزای گوناگون سازندهٔ زندگی روزمره و مصنوعاتی که روزانه از آنها استفاده می‌کنیم، خرده‌کاری‌های گوشه‌وکنار خانه، تعامل با آدم‌های دیگر و فعالیت‌های متعارف روزانه، مانند خوردن، پیاده‌روی، حمام‌کردن و آن کیفیت‌هایی که در جای‌جای تجارب روزمره جاری‌اند. همهٔ اینها در گسترهٔ زیبایی‌شناسی روزمره می‌گنجد. کیفیت‌هایی مانند خوشگل، دلنشین، ریخته‌وپاشیده، زننده، مقرون به سلیقه، کثیف، سرزنده و یک‌نواخت و... (سایتو، ۱۳۹۶: ۶-۷). زیبایی‌شناسی زندگی روزمره ما را وامی‌دارد تا از هر آنچه که برایمان عادی شده است، مانند مکان، روابط، شیوه‌های مصرف و بازارها، غذا، هوا و...، آشنایی‌زدایی کنیم؛ زیرا همهٔ اینها و اساساً هرچیز در زیست‌جهان می‌تواند در حیطهٔ زیبایی‌شناسی زندگی روزمره قرار گیرد.

٤. تحلیل داستان‌ها

پیش از پرداختن به تحلیل داده‌ها، به‌منظور شناخت نویسنده و آثار او، خلاصه‌ای از زندگی و آثار او جهت دریافت فضای کلی داستان ارائه شده است:

مهسا محب‌علی تحصیلات خود را در دانشکدهٔ هنرهای زیبا در رشتهٔ موسیقی به پایان رساند. او از نویسندگان نسل سوم ادبیات داستانی ایران محسوب می‌شود. داستان‌نویسی را از کارگاه‌های رضا براهنی در دههٔ ۶۰ آغاز کرد. برندهٔ دو دوره جایزهٔ بنیاد گلشیری برای مجموعه داستان *عاشقیت در پاورقی* و رمان *نگران نباش* است. برای رمان *نگران نباش* جایزهٔ نویسندگان و منتقدان مطبوعات را نیز دریافت کرد. رمان *نگران نباش* و داستان کوتاه «مسیح مرمرین» او به زبان‌های سوئدی، انگلیسی و ایتالیایی ترجمه شده است.

مجموعه داستان *عاشقیت در پاورقی* شامل داستان‌های کوتاه «خفاشه»، «هفت‌پاره دانای کل»، «عاشقیت در پاورقی»، «کراوات سبز»، «نصف سفید، نصف بنفش»، «چندسانت توی زمین»، «هندی برقصم» و «عتیقه‌ها» است. ازآنجاکه در این پژوهش مجال بررسی همهٔ آنها وجود ندارد، به بررسی سه داستان کوتاه بسنده شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

٤. ١. داستان «عتیقه‌ها»

این داستان به‌روش تک‌گویی بیرونی روایت می‌شود. سه تیپ و شخصیت در این داستان وجود دارند: زن، همسر او و مرد آفریقایی. زن نقش اصلی را برعهده دارد و تنها پرسوناژ داستان است. موضوع اصلی داستان این است که همسر زن هرشب خواب می‌بیند که به بازاری در جایی نامعلوم می‌رود و با پرداخت سکه‌ای سوسمارنشان عتیقه‌هایی می‌خرد. این خواب هرشب تکرار می‌شود. او خواب‌هایش را برای شخصیت اصلی (زن) تعریف می‌کند. زن آن عتیقه‌ها را از خیابان منوچهری و جاهای دیگر پیدا کرده و با شوق به خانه می‌آورد و همسرش را به خرید بیشتر عتیقه تشویق می‌کند. یک شب هردو تصمیم می‌گیرند با خوردن قرص خواب هم‌زمان به خواب بروند. زن از همسرش قول می‌گیرد که او را به همان خواب بازار ببرد. در خواب مشترک، مرد متوجه می‌شود که زن در خواب‌هایش با مرد سیاه‌پوست کارخانه‌داری به خرید عتیقه‌ها می‌رود. او بعد از اینکه زن را تعقیب می‌کند به قصر مرد سیاه‌پوست می‌رسد. درنهایت، مرد در خواب زن را به حال خود رها می‌کند تا هرشب با مرد سیاه‌پوست در خواب‌هایش عتیقه بخرد.

٤. ١. ١. زیبایی‌شناسی زندگی روزمره در روایت داستانی عتیقه‌ها

برای بسیاری از ما درگیرشدن با اشیاء و محیط‌های روزمره بسیار فراتر از تعامل با هنر است و نیاز مبرمی به پرورش سواد زیبایی‌شناختی، یعنی توجه به اشیاء و محیط‌های زندگی روزمره است. با رسیدن به این دانش می‌توان دریافت که قدرت زیبایی‌شناسی زندگی روزمره چگونه اقدامات و سیاست جوامع ما را در یک جهت به‌خصوص هدایت می‌کند (سایتو، ۲۰۰۷: ۲۴۴). داستانِ «عتیقه‌ها»، بیش‌ازآنکه درخور بررسی محتوایی باشد، یک اثر با ویژگی‌های بارز فرمالیستی است؛ زیرا همه‌چیز در سطح زبان شکل می‌گیرد. از ویژگی‌های تکنیکی آن، تکرار تصاویر، نمادها و نشانه‌ها است که با کدهای تکرارشونده شکل گرفته و به آن تشخص سبکی بخشیده است. این داستان از یک مقطع پایانی شروع می‌شود. سپس بازگشتی به گذشته دارد (فلش‌بک). در نقطهٔ اوج، چالش اصلی داستان شکل می‌گیرد که همان علاقه‌مندی زن به مرد آفریقایی و خرید عتیقه‌ها است و گره‌گشایی آن بدون تنش خاصی انجام می‌شود و داستان بدون فرجام قطعی پایان می‌یابد. ارتباط عتیقه‌ها در خواب و در عالم بیداری بسیار درخور تأمل است؛ زیرا رابطهٔ شخص و اشیای قدیمی ازطریق آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

زندگی روزمره در پیوند با سنّت و گذر از سنّت به مدرنیته شکل می‌گیرد که بیانگر فضای ذهنی برخی از افراد جامعه است که هنوز با دنیای جدید نتوانسته‌اند ارتباط برقرار کنند. ازسوی‌دیگر، خواب‌ها بخشی از دنیای ناخودآگاه ما هستند که علاقه‌ها، نفرت‌ها و ترس‌ها و رابطه‌های ما در آنجا مجال ظهور پیدا می‌کنند و هنجارهای زندگی واقعی شکسته می‌شود تا در یک فضای سوررئال اشخاص با پیوندهای خود روبه‌رو شوند.

٤. ١. ٢. نقش اشیاء در زیبایی‌شناسی زندگی روزمره در داستان

کانت در جریان ادراک زیبایی‌شناختی به وجود یا عدم وجود شیء توجهی ندارد، بلکه تنها به ظاهر یا نمود آن اهمیت می‌دهد. ازنظر او، خود شیء هیچ اهمیتی ندارد و فقط ظاهر (نمود) آن شیء مورد توجه است؛ زیرا فقط به ظاهر آن تأمل می‌شود و توجهی به دیگر کاربردهای آن نمی‌شود. اگرچه این نوعی بدفهمی فلسفهٔ کانت محسوب می‌شود؛ زیرا مفهوم تأمل در شیء هنری نوعی انفعال را از جانب مخاطب القاء می‌کند، انفعال دربرابر آن شیئی است که در مقابل بیننده قرار دارد و او را خیره کرده است (گلدمن، ۱۳۸۶: ۱۴۰)، اما فرض هیوم دربارهٔ اشیاء این است که چون ذهن طبیعتاً از درک بعضی کیفیات لذت می‌برد و برعکس از درک بعضی دیگر لذت نمی‌برد، لاجرم مطابق چیزی عمل می‌کند که هیوم آن را اصول ذوق یا قواعد هنر می‌نامد. این اصول صرفاً گویای این است که ادراک بعضی کیفیات اشیاء همیشه به احساس لذت از زیبایی یا احساس عدم لذت از زشتی در ذهن انسان می‌انجامد (شلی، ۱۳۸۶: ۳۶). اگرچه بُعد شکل‌گرایانهٔ داستان «عتیقه‌ها» بر محتوای آن برتری دارد، نظام بستهٔ معنایی که از «عتیقه‌ها» به‌دست می‌آید، حاصل نحو واژه‌هایی است که اغلب اسم اشیاء را تشکیل می‌دهند و با کنار هم قراردادن آنها، نظام بستهٔ معنایی به‌دست می‌آید که هربار بر معنای خاصی تأکید دارد که درنهایت معنای کلی آنها تعلق به زیبایی دارد. عتیقه‌ها مرتب به‌شکل نشانه‌هایی قراردادی در داستان تکرار می‌شوند و تشخّص می‌یابند. البته، اشیای دیگر نیز به فراخور صحنه‌های داستان گاه دوبار یا بیشتر تکرار می‌شوند؛ مانند دوش، چراغ، لباس‌خواب، قرص خواب، فیل چوبی، مخدّهٔ زرباف، جام شراب و...، که حضور هریک از آنها در صحنه‌های داستان تأثیر بسزایی دارد؛ برای نمونه «قرص خواب»، نخست، وسیله‌ای برای یگانگی زن و همسرش است، اما بعد واسطهٔ جدایی زن از مرد می‌شود. زیبایی‌شناسی روزمره ما را درجهت مخالف می‌کشاند و زیبایی‌شناسی نهفته در زندگی روزمره

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

غیرعادی جلوه‌دادن چیزهای معمولی است. «ما به‌سبب حس درونی از اشیای زیبا لذت می‌بریم؛ زیرا منشأ لذت از زیبایی هم در شیء است و هم در وجود خود ما» (شلی، ۱۳۸۶: ۳۲). شاید مسئله‌برانگیزترین جنبهٔ زیبایی‌شناسی روزمره، جهت‌گیری به‌شیوهٔ هنجارگریزی باشد که با بافت‌زدایی از تجربه و جهت‌گیری به‌شیوهٔ هنجارگریزی پایه‌گذاری می‌شود و واکنش زیبایی‌شناختی ما را در دغدغه‌های عملی روزمره تسهیل می‌کند. طبیعی است که واکنش زیبایی‌شناختی افراد به چیزی که مهم است، بر نگرش و عمل آنها اثر می‌گذارد. اگر واکنش مثبت باشد، تلاشی برای حفظ و ارتقا وجود خواهد داشت. اگر منفی باشد، حرکت به‌سمت بی‌اعتنایی، غفلت، تغییر، رهاکردن یا طرد پیش خواهد رفت. شخصیت‌های این داستان با خوردن قرص امکان ورود به خواب یکدیگر را می‌یابند. برجسته‌کردن امر ناممکن و غیرعادی به هنجارشکنی و آشنایی‌زدایی می‌انجامد که به‌ظاهر عجیب و غیرمنطقی است، اما زیبا به‌نظر می‌رسد. پیامد منفی آن، یعنی رفتار مرد با زن، به‌سمت بی‌اعتنایی، غفلت، رهاکردن یا طرد و تغییر امر زیبا به امر نازیبا است. هرچند که همه‌چیز در عالم خواب رخ می‌دهد، پیامد آن، یعنی نزول امر زیبا به امر نازیبا، از بُعد زیبایی‌شناسی زندگی روزمره درخور توجه است. گذشته از عتیقه‌ها، اشیای دیگر داستان مانند لباس‌خواب لیمویی زن، که صرفاً کارکرد اِروتیک دارد و نشانهٔ تعلق‌خاطر مرد به همسرش است، مدام در ذهن او تداعی می‌شوند که زن با آن لباس مقابل مرد آفریقایی نشسته است. فیل چوبی و چراغ برنجی ممکن است نشانهٔ تمایلات مادی زن باشد که پیوند سنّت و مدرنیته را به‌نمایش می‌گذارند. نمایش گذر از سنّت به مدرنیته در این داستان به‌واسطهٔ اشیاء و فضا شکل می‌گیرد. شهر، مکان، فضا و زمان هم در این داستان بین گذشته و حال دائماً در حال جابه‌جاشدن هستند. فضایی که بخش عمدهٔ داستان در آنجا شکل می‌گیرد بازار و غرفه‌هایی است که پر از پارچه‌های زربفت و بوی عود در شهری نامعلوم با بازارگردهایی که عرق‌چین به سر دارند و به زبانی میان عبری و عربی حرف می‌زنند، خانهٔ سه‌راه ضرابخانه (محله‌ای قدیمی در تهران از دورهٔ قاجار) با مبل‌های منبت‌کاری‌شدهٔ موروثی، آپارتمان لوکس پای کوه و هتل هم از مکان‌های داستان به‌شمار می‌روند: «... تو دیگر به خانهٔ سه‌راه ضرّابخانه با آن گچ‌بری‌های قدیمی و آن درهای چوبی با شیشه‌کاری‌های رنگی فکر نمی‌کنی» (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۳۲)، «از پله‌های پیچ‌درپیچ بالا می‌روی و او را نشسته بر فرشی ابریشمین و تکیه بر مخده‌ای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

زربفت در بالای اتاق می‌بینی» (همان، ۳۶). واقعیت و خیال چنان در این داستان به‌هم آمیخته‌اند که فضای وهم‌آلودی برای مخاطب پدید آورده‌اند. شهری قدیمی که مخاطب نمی‌داند کجاست. بازارهایی غرفه‌غرفه با سقف‌های مقرنس، همان بازار قدیمی، همان بوها و همان صداهای عجیب و غریب و همان فروشنده‌های سبیل‌قیطانی و باز هم صدایی که تو را به خود می‌خواند: «همان بازار قدیمی و همان بوهای سرگیجه‌آور. ساعت‌ها توی بازار پرسه می‌زنی و به تمام غرفه‌ها سرک می‌کشی» (همان، ۳۴). وصف خانه و بازار، خواننده را در این داستان درگیر زیبایی‌شناسی زندگی روزمره می‌کند و نگاه خواننده را به محتوا و تجربهٔ فردی خلاق سوق می‌دهد. توصیف خانهٔ قدیمی و بازار سنّتی با عنوان داستان («عتیقه‌ها») وحدتی را شکل می‌دهند که نه‌تنها مایهٔ لذت می‌شوند، بلکه همان‌گونه که گفته شد، از مؤلفه‌های دیگر گذر از سنّت به مدرنیته به‌شمار می‌روند. هماهنگی، مقبولیت و محسوس قلمدادشدن آنها به متن داستان زیبایی می‌بخشد و آن را قابل درک و شناخت می‌کند.

٤. ١. ٣. مکان در زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

آرتور هاپالا در مقالهٔ «درباب زیبایی‌شناسی زندگی روزمره» ازطریق تحلیل مفهوم مکان به مسائل امر روزمره می‌پردازد. ازنظر او، مکان فضایی است که امر روزمره در آن تحقق می‌یابد. او واژه‌های کلیدی را تعریف می‌کند. مراد او از مکان، مکان‌مندکردن و حس‌کردن، شناسایی مکان و ریشه‌داشتن در آن، این است که مفهوم مکان و امر روزمره بیشتر با اندیشهٔ آشنابودن پیوند دارد. مکان و اشیاء و رخدادهای روزمره، که مکانی را تشکیل می‌دهند، با آشنابودن مشخص می‌شوند. این مفاهیم با ساختار اگزیستانسیال انسان فهمیده می‌شوند تا به‌شیوه‌ای که در جهان هستیم، حس آشنابودن را پیرامون خویش خلق کنیم. به‌این‌ترتیب، مکان را می‌سازیم. آشنابودن و امر روزمره دقیقاً در قلب مکان قرار دارند. زیبایی‌شناسی روزمره با ملاحظات زیبایی‌شناسانهٔ مرسوم بسیار متفاوت است. زیبایی‌شناسی مرسوم بیشتر دغدغهٔ چیزی را دارد که می‌توان آن را غریبه‌بودن خواند (هاپالا، ۱۴۰۰: ۷۷).

محیط پیرامون انسان مجموعه‌ای از توده‌هایی است که موقعیت خودشان را در میان دیگر چیزها در جهان پیدا می‌کنند.

> وقتی به معماری رو می‌کنیم، این فضا را هم ازحیث درون و هم ازحیث بیرون گسترده می‌یابیم. توده از درون گشوده می‌شود تا فضا را محصور کند و این ظرفیت داخلی برای مردم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

طراحی‌شده و آنها را دعوت می‌کند تا آن را اشغال کند. هنرمندان نیز در آثار خود محیط‌هایی را می‌سازند که ما می‌توانیم به آنها وارد شویم و برای مدت کوتاهی در آن زندگی کنیم. بدین‌ترتیب گسترهٔ هنر آشکارتر می‌شود. محیط بُعد زمان را به فضای معماری اضافه می‌کند. زیرا بُعد زمان، چون زمان، همراه با مشاهده‌گر ارج‌گذار که مجبور است مشارکت کند و محیط را با حرکت‌کردن در میان آن فعال سازد، آشکارا و هشیارانه وارد اثر هنری می‌شود (برلیان، ۱۴۰۰: ۵۲ -۵۳).

محیطی که در این داستان با آن روبه‌رو هستیم با جهان واقع چندان مطابقت ندارد. محیط و فضاهای آن به‌نوعی سوررئال هستند: «شبیه شهرهایی است که میان عکس‌های کتاب‌های قدیمی دیده‌ای، اما یادت نمی‌آید چه کتابی» (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۳۰). اتفاق خاصی که در این داستان دربارهٔ مکان رخ می‌دهد، خانهٔ سه‌راه ضرابخانه و سنگ‌های کهربایی کف و مبل‌های چوبی کنده‌کاری موروثی با روسری لاجوردی و موهای نارنجی و چشمان درخشان زن، مرتب به‌شکل موازی مقایسه می‌شوند که در تداعی‌های ذهنی راوی با تک‌گویی بیرونی بیان می‌شوند. گویا نه‌تنها نویسنده به‌عمد قصد دارد زیبایی زن را با زیبایی خانهٔ قدیمی در محلهٔ ضرابخانه قیاس کند، بلکه با این شگرد، تقابل سنّت و مدرنیته را به‌نمایش می‌گذارد:

چشمانش میانِ روسری لاجوردی بیشتر از همیشه می‌درخشد و با احتیاط تکه‌های میگو را به دهان می‌برد... تو خیره می‌شوی به آن صورت مهتابی و باز و بسته‌شدن لب‌ها و به خانهٔ سه‌راه ضرّابخانه فکر می‌کنی. به آن سنگ‌های کهربایی کف و آن مبل‌های چوبی کنده‌کاری‌شده (همان، ۳۱).

٤. ۲. داستان «عاشقیت در پاورقی»

شخصیت اصلی زنی است که داستان آشنایی و هم‌خانه‌شدن با محبوبش را روایت می‌کند. محبوب او کارمند بانک مرکزی است. در این داستان، زندگی روزمرهٔ دو فردی تصویر می‌شود که پس از گذراندن دورهٔ عاشقی، از هم خسته و دچار ملال می‌شوند. درنهایت، شخصیت اصلی (زن) از محبوبش می‌خواهد که یکی‌شان خانه را ترک کند. محبوب او درحالی‌که به پهلو می‌غلتد می‌گوید اصلاً حال‌وحوصلهٔ سرگردان‌شدن توی خیابان‌ها را ندارد و اگر خسته شده می‌تواند خانه را ترک کند. درنهایت، زن با عصبانیت به اتاق خواب می‌رود. سونات (سی‌بِمل) شوپن را می‌گذارد و روی تخت دراز می‌کشد و به چند موضوع بی‌اهمیت فکر می‌کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

٤. ۲. ۱. زیباشناسی زندگی روزمره در داستان «عاشقیت در پاورقی»

روایت‌های متمرد اصطلاحی است که داستان‌شناسان برای روایت‌هایی که از قواعد رایج دورهٔ خود سرپیچی می‌کنند به‌کار برده‌اند. داستان‌هایی که هجو و کنایه یا فراداستان در آنها دیده می‌شود. روایت داستان «عاشقیت در پاورقی» از روایت‌های متمرد در سال‌های اخیر است و شکل تازه‌ای از داستان‌نویسی امروز در ایران به‌شمار می‌آید که ساختار مخصوص دارد. «این داستان در زمان انتشارش (۱۳۸۳) نظرهای متفاوتی را به خود اختصاص داد. برخی آن را خارج از ویژگی‌های داستان‌های متعارف دانستند و عده‌ای پدیدآمدن آن را نضج‌گرفتن نسل تازهٔ داستان برشمردند» (موسوی، ۱۳۹۳: ۴۶). این داستان یک داستان مدرن با خصوصیات فراداستان است که نویسنده در چند اپیزود در حدود ۱۰ صفحه ماجرای آشنایی خود را با عاشقش در یک روایت غیرخطی داستانی نقل می‌کند. اما اینکه می‌گوید: «در این داستان عاشقیت اتفاق می‌افتد» (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۱۷)، درخور توجه خوانندهٔ داستان‌های سنّتی است؛ زیرا خواننده با شگردی روبه‌رو می‌شود که در داستان‌های سنّتی سابقه ندارد. نویسنده پیشاپیش حضور خود را در داستان اعلام می‌کند. این ترفند یکی از مؤلفه‌های پسامدرنیستی است که نویسنده از آن در این داستان بهره برده است. شگرد نادر دیگری که در این داستان به‌چشم می‌خورد، آوردن پاورقی‌هایی است که با توجه به متن داستان نه‌تنها اطلاق نام پاورقی مناسبشان نیست، بلکه نوعی بینامتنیت در داستان ایجاد می‌کند که به‌عمد با فونت ریز در متن قرار گرفته است. البته، اگر بینامتن‌ها را از داستان حذف کنیم، آنچه می‌ماند، روایت یک‌خطی از زندگی روزمرهٔ زوجی است که شور زندگی در آنها رنگ باخته و به ملال عشق رسیده‌اند. ارجاع به مینیاتورهای محمد تجویدی یا کتاب‌هایی چون *آمریکایی آرام*، فیلم‌هایی مثل «چه کسی از ویرجینیا ولف می‌ترسد»، آهنگ‌هایی مانند سونات (سی‌بِمل) شوپن و... سبب شده تا داستان در چند سطح موازی پیش برود. بی‌شک، این‌گونه فرم‌بخشی به متن پدیده‌ای مدرن در سبک داستان‌نویسی زنان ایران است.

به‌طورکلی، مکان به‌منزلهٔ عنصری مهم در نشان‌دادن زیبایی‌های زندگی روزمره در داستان عمل می‌کند. از زیبایی‌های مکان در این داستان می‌توان به توصیفات طبیعی و دوستانه‌ای اشاره کرد که آن را یک مکان دوستانه و امن و از عوامل تأثیرگذار بر شخصیت‌ها قرار داده است که در درک زیبایی‌شناختی و پیشرفت روند داستان نقش بسیار مهمی دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

مکان در این داستان به‌صورت یکپارچه با زیبایی‌های طبیعی و روابط انسانی در دنیای معاصر نمایش داده شده است. زن و عاشقش در آپارتمان اجاره‌ای چهل‌متری خیابان حافظ، روبه‌روی تلویزیون نشسته‌اند و سریال «هلیکوپتر امداد» را تماشا می‌کنند. یادآوری نام سریال که بارها و بارها از شبکه‌های مختلف سیمای ایران پخش شده، در ظاهر جنبهٔ طنز ماجرا است، اما جنبهٔ نمادین آن، تکرار مکررات و بی‌حاصلی زندگی روزمره است که ازطریق نمادی چون تلویزیون به‌نمایش گذاشته شده که از بُعد زیبایی‌شناسی زندگی روزمره اهمیت می‌یابد و برای خواننده جذابیت ایجاد می‌کند. داستان درنهایت روایتگر ملال عشقی است که در زندگی شخصیت‌های داستان رنگ باخته و به پاورقی تبدیل شده است. این ملال با توصیف (سریال تکراری) فضاسازی شده و نمونه‌ای از روابط انسانی امروز است که با نمایش و تکرار سریال برجسته شده است. تلاش شخصیت اصلی داستان برای بهبود روابط نافرجام می‌ماند:

> به اتاق خواب می‌روم و ربدوشامبر قرمزرنگی می‌پوشم و جلو تلویزیون می‌ایستم و موهایم را شانه می‌زنم و در جواب اعتراض عاشقم اغواگرانه نگاهش می‌کنم. او لبخند می‌زند، ولی همچنان سعی دارد سریال را دنبال کند. من دوشاخهٔ تلویزیون را از برق بیرون می‌کشم (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۱۹).

این صحنه، چنان‌که پیشتر گفته شد، نه‌تنها نمایانگر تأثیر تلویزیون، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بر زندگی روزمره و روابط انسان‌ها است که جای گفت‌وگوهای روزمرهٔ افراد را با یکدیگر گرفته، ازیک‌سو، جایگزینی امر نازیبای زندگی روزمره، درقالب امر زیبا نمایش داده شده و تسلیم محض افراد را دربرابر تکرار زندگی روزمره نشان می‌دهد. ازسویی‌دیگر، این داستان به ما یادآوری می‌کند که زیبایی‌های زندگی روزمره، حتی جزئیات کوچک و تفاوت‌های ظاهری، مهم‌اند و باید به جزئیات توجه کنیم.

٤. ۲. ۲. توجه به بوها در زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

دست‌کم دو نکتهٔ مهم درباب مفهوم زیبایی در زیبایی‌شناسی روزمره وجود دارد؛ اول، جایگاه احساسات بدنی است. وقتی می‌توانیم حسشان کنیم که تحریک حسی دریافت کنیم، مانند استشمام بوی چیزی که پخته شده، لمس ابریشم با پوستمان، چشیدن طعم سوشی یا احساس ماساژ. ممکن است احساسات بدنی از فعالیت‌های بدنی ناشی شوند، فعالیت‌هایی مانند دویدن، سبزی‌خردکردن و استفاده از ابزارها یا پیراستن چمن. بحث دربارهٔ اینکه آیا این احساسات بدنی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

به قلمرو زیبایی‌شناسی تعلق دارند یا نه بحث تازه‌ای نیست. مشهورترین برخورد تاریخی با این مسئله تفکیک کانت میان امر زیبا و امر مطبوع یا خوشایند است. همچنین، بسیاری از پروژه‌های هنر معاصر از راه آفرینش هنر پویشی[1] و پیشامدهای هنری‌ای[2] که دربردارندهٔ پختن و خوردن‌اند و نیز هنر مشارکتی[3] که لازمه‌اش درگیری بدنی مخاطبان در روند خلق اثر است به این بحث دامن زده‌اند، اما این مسئله درباب زیبایی‌شناسی روزمره جدی‌تر می‌شود؛ چراکه تجربه‌های حسی و فعالیت‌های بدنی در جای‌جای تجربهٔ روزانهٔ ما جاری‌اند (سایتو، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۷). بو، به‌ویژه بوی گل، در زیست‌بوم آدمی همواره تأثیری خوشایند دارد، اما نویسنده در این داستان از بو برای یادآوری مضمون عشق بهره برده است. بااین‌حال، این توضیح لازم است که عشق در این داستان مثل همان نوشیدنی و چیزی شبیه شراب است و ماهیتی ساختگی دارد؛ چیزی شبیه عشق! بخشی از زیبایی‌شناسی زندگی روزمره در این داستان صحنه‌ای است که به عشق و زیبایی پیوند می‌خورد: «بوی ماگنولیایی که روی سینه گذاشته‌ام با بوی کاپوچینو که از فنجانم برمی‌خیزد و با بوی شرجی دریا به‌هم می‌آمیزد و سرم را به دوَران می‌اندازد» (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۲۰). فضاسازی در این بخش از داستان، به‌طور موازی، با صحنه‌ای از کتاب *مدراتو کانتابیله* از مارگریت دوراس پیش می‌آید که بسیار درخور تأمل است؛ زیرا همان‌گونه که در این اثر شخصیت اصلی داستان از تأثیر مشابه شراب و بوی ماگنولیا سخن می‌گوید، در داستان «عاشقیت در پاورقی» نیز همانند او سخن از تأثیر شراب و بوی ماگنولیایی است که ذهن در آن لحظه به هیچ‌چیز جز عشق نمی‌اندیشد.

٤. ۳. داستان «هندی برقصم؟»

این داستان در پنج‌صفحه روایت شده و به فراخور آن چندان مجالی برای طرح موضوع زیبایی‌شناسی فلسفی ندارد. بااین‌همه، «طغیان» راوی دربرابر سنّت را از دید زیبایی‌شناختی نمی‌توان انکار کرد. داستان از زاویهٔ‌دید اول‌شخص و از زبان فردی مفقودالاثر روایت می‌شود. راوی زن جوانی است که همسرش از جنگ بازنگشته است و در فراق همسر گم‌شده‌اش به‌سر می‌برد. او عروس خانواده‌ای سنّتی است و هر روز در اتاق یا در حیاط کنار حوض یا بیرون از منزل در حال ادای نذری برای شوهرش است و مدام یا صدای او را در ذهن خود به یاد می‌آورد و تکّه‌کلام‌های او را مرور می‌کند یا رفتارهای او را تکرار می‌کند. درنهایت، یک روز خانه‌ای را که پر از صدای همسر مفقودالاثرش است ترک می‌کند و می‌رود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

٤. ۳. ۱. تصاویر (عکس‌ها) از نگاه زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

عکاسی از هنرهای نه‌گانهٔ مدرن محسوب می‌شود و پیوند نزدیکی با گروه متنوعی از تصویرهای فیگوراتیف بصری دارد. تفکر دربارهٔ درک عکس مستقیماً به مسائل مربوط به بازنمایی یا تصویرنمایی منتهی می‌شود. این کارکرد دوگانهٔ عکس در محیط‌های مختلف، هم برای نشان‌دادن و هم بازنمودن و کشف عوامل علّی، کاربرد عکس را از کاربرد دیگر تصاویر جدا می‌کند. ازآنجاکه مسائل زیبایی‌شناختی به فعالیت‌های ادراکی بینندگان مربوط است، کارکرد دوگانهٔ عکس امکان فعالیت‌ها و ترکیب‌های ادراکی تازه و درنتیجه جنبه‌های دیگر زیبایی‌شناسی را فراهم می‌کند، هرچند ممکن است محتوای ادراکی عکس فراتر از چیزی باشد که به‌تصویر می‌کشد؛ ازاین‌رو، کارکرد اکتشافی عکس نمی‌تواند حائز عنصر زیبایی‌شناختی باشد؛ چراکه این خود کاربرد ابزاری تصویر است که برخی آن را با کارکرد زیبایی‌شناختی ناهم‌خوان می‌دانند؛ بدین‌معنا که نمی‌تواند غایت فی‌نفسه باشد. ازجمله ضعف‌های این دیدگاه فاصلهٔ عمیق بین وسیله و هدف است که برخلاف تصور، خود غیرزیبایی‌شناختی‌ترین رویکرد به تجربه و زندگی است (مینارد، ۱۳۸۶: ۳۵۸-۳۵۹). با توجه به نظریه، دربارهٔ عکس می‌توان گفت یکی از عوامل زیبایی‌شناختی است که در برجسته‌سازی عوامل و اشیای زندگی نقش مهمی برعهده دارد. یوریکو سایتو از آن به‌منزلهٔ گنجینه‌های زیبایی‌شناختی زندگی روزمره یاد می‌کند که راه غیرعادی جلوه‌دادن چیزهای معمولی است و به آشنایی‌زدایی و غریب‌گردانی منجر می‌شود. قبل از سایتو، ویکتور شکلوفسکی و برتولت برشت هم بر آشنایی‌زدایی و غریب‌گردانی امور روزمره تأکید کرده‌اند، اما آنچه در این داستان ارزش معناشناختی می‌یابد، گفت‌وگوی هرروزهٔ شخصیت اصلی با عکس همسر مفقودالاثرش است که درقالب جان‌دارپنداری شکل می‌گیرد. این نمونه‌ای از زندگی روزمرهٔ خانواده‌هایی است که فرزندانشان و همسرانشان در جنگ شهید یا مفقودالاثر شده‌اند؛ درنتیجه، عکس جایگزین فرد شهید یا مفقودالاثر شده است. آنچه در این داستان رخ می‌دهد نوعی هنجارشکنی و هنجارگریزی است. در این داستان، «عکس» مأمن عشق و علاقهٔ دو زن (مادر و همسر شهید) به یک فرد شده و خاطره‌ها معنادار شده‌اند. تصویر این شهید در قاب عکس تأکیدی بر زیستِ مجازی او با همسر و مادرش است. آن‌دو حضور دائمی و غیرفیزیکی شهید را در خانه حس می‌کنند. درواقع، امر نازیبا (غیبت فیزیکی) به امر زیبا و امر والا (حضور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

ذهنی) در زندگی روزمرهٔ آنها بدل شده است. قاب عکس به درجهٔ تجسد و تشخص رسیده و زندگی شخصیت اصلی را در هاله‌ای از تخیل و عشق قرار داده است:

> همون شلوارجین و بلوز چهارخونه‌ای رو پوشیدی که خیلی دوستش داشتی. یه‌جوری زل زدی توی دوربین و می‌خندی که اگر توی عکس نبودی فکر می‌کردم همون معنی همیشگی رو داره. شاید هم داره [...] شاید همون موقع دلت هوام رو کرده بود (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۹).

٤. ۳. ۲. مکان از نگاه زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

مکان فضایی است که سرشتی متمایز دارد. از زمان‌های باستان روح مکان همچون واقعیتی عینی شناخته شده که انسان باید با آن مواجه شود. البته، مراد از مکان چیزی بیش از محلی انتزاعی است. مراد تمامیتی از چیزهای عینی است که جوهر مادی، شکل، بافت و رنگ دارند. اینها همه با هم سرشتی محیطی را تعیین می‌کنند که ذات مکان است. به‌طورکلی، مکان با این عنوان گونه‌ای سرشت یا «جوّ» است؛ بنابراین، مکان یک پدیدهٔ کیفی «تام» است که نمی‌توانیم آن را به هیچ‌کدام از ویژگی‌هایش، مانند روابط فضایی، فروبکاهیم، بی‌آنکه ماهیت عینی آن را به غفلت از کف بدهیم (هاپالا، ۱۴۰۰: ۸۰). در زیبایی‌شناسی مکان، غریبگی پایه‌ای برای درک احساس زیبایی‌شناختی خلق می‌کند. در وضعیتی آشنا، درحالی‌که در مکان خود هستیم و با روزمرگی احاطه شده‌ایم، زمینه‌اش را داریم که این نوع حساسیت را از دست بدهیم. هنگام درنظرگرفتن محیط‌های غریبه در مقابل آشنا، معیارهای زیبایی‌شناختی تفاوت می‌کنند. یک تفاوت مهم از وجودشناسی یا ساختار وجودی مکان ناشی می‌شود. مکان بخشی از وجود ما است و شیوهٔ بودن ما را شکل می‌دهد، درحالی‌که محیط‌های غریبه چنین نمی‌کنند. مکان زیبایی‌شناسی خود را دارد و زیبایی‌شناسی مکان با ساختار وجودی ما عجین است (همان، ۹۲). ازآنجاکه روح مکان از عنصر مکان تشکیل می‌شود، انسان‌ها و اشیائی که فضا اشغال می‌کنند، قطعاً معنایی به آن می‌افزایند؛ ازاین‌رو، مکان ممکن است عنصری معنادار در زیبایی‌شناسیِ زندگیِ روزمره تلقی شود. در این داستان، روح مکان با توجه به کوتاهی داستان به‌خوبی پرورده شده و تصویر آشنایی را از زندگی روزمرهٔ خانوادهٔ سنّتی برای خواننده فراهم کرده است. مکان داستان خانه‌ای سنّتی با آشپزخانه، حوض آب، باغچه، حیاط، پنجره، تخت گوشهٔ حیاط، انباری، پشت‌بام و کفترها و شمعدانی‌های خشک است. هرچند شمعدانی‌ها، درخت و کفترها از اجزای ساختمانی نیستند، بخشی از فضای داستان را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

اشغال کرده‌اند و معنای خاصی به آن افزوده‌اند و خواننده را از شیوهٔ زندگی و گذشتهٔ آن آگاه کرده‌اند: «عزیز بساط چایی رو آورده و پهن کرده روی تخت گوشهٔ حیاط [...] آقاجون باغچه‌ها رو آب می‌ده [...] رادیو رو گذاشته توی پنجره صداش رو تا ته باز کرده [...] با شیلنگ داره برگ‌های خشک شمعدونی رو که زیر لنگهٔ در انباری ریخته‌اند می‌شوره تا برگ‌ها راه بیفتن و بیان طرف من و بریزن تو پاشویه (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۱۰).

٤. ۳. ۳. صدا از نگاه زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

ازنظر هاچیسون، دو مقولهٔ شناخته‌شده برای لذت وجود دارد؛ یکی «لذات محسوس» که از منابع بیرونی حاصل می‌شود؛ یعنی حواس پنج‌گانه و لذات ناشی از رنگ‌ها و صداها را دربرمی‌گیرد. دیگری، مقولهٔ «لذات معقول» است؛ یعنی لذاتی که با مداخلهٔ عقل پدید می‌آید و تنها منبع درونی شناخته‌شده است (شلی، ۱۳۸۶: ۳۲). زیباترین منبع لذتی که در طول داستان در قالب آشنایی‌زدایی رخ می‌دهد شنیدن صدای همسر است. شخصیت اصلی داستان در خیالِ خود مدام صدای همسرش را می‌شنود و با او حرف می‌زند. لذات محسوس ناشی از منابع بیرونی است، اما در این داستان «صدا» برخاسته از محسوسات درونی شخصیت اصلی داستان است که با مداخلهٔ ذهن و با شگرد آشنایی‌زدایی تصویر شده و در احساس شخصیت اصلی ریشه دارد. درواقع، لذتی است که ناشی از منابع بیرونی نیست، بلکه مستقل از ارادهٔ او به‌کمک خیال وجود آمده است. البته، برای شخصیت اصلی داستان نوعی زیست مطلوب محسوب می‌شود که تا حدودی نبود همسر را جبران می‌کند:

> عزیز و آقاجون اصلاً صدات رو نمی‌شنون. حتی صدای پاهات رو وقتی از پلّه‌ها می‌یای پایین تا بشینی لب حوض و وضو بگیری یا صدای نوچ کشیدنت رو برای کفترها، وقتی نشستی لبِ پشتِ بوم و براشون نون خشک می‌ریزی. اون‌ها فقط نگاهشون به دره و گوششون به زنگ تلفنه، چرا صدات رو نمی‌شنون؟ (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۱۰).
>
> حالا دیگه هیچی یادم نمی‌یاد، حتی رفتنت رو. فقط صدات هست که مدام می‌گفت زود برمی‌گردم، خیلی زود مرخصی می‌گیرم، برمی‌گردم (همان، ۱۱).

٤. ۳. ٤. بو از نگاه زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

ازنظر کانت، ذوق امری اساساً ذهنی است. هرگونه داوری ناظر به زیبایی مبتنی بر تجربه‌ای شخصی است و چنین داوری‌هایی برای هر فرد متفاوت است (آداچیان و سارتول، ۱۳۹۵:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

۶۷). ذوق حسی قوهٔ تمییز و لذت چشایی را پدید می‌آورد. ذائقه در مقام یکی از حواس لزوماً به لذت یا عدم لذت مربوط است؛ به‌بیان‌دیگر، پاسخی حسی است که حامل بار مثبت یا منفی است. ذوق ممکن است سنجهٔ کیفیت اثری باشد که برحسب ماهیت لذتی که اثر به شخصی خوش‌ذوق می‌بخشد سنجیده می‌شود. به‌اعتقاد کانت، نقد حکم همواره متعلّق ادراک (مُدرَک) را با لذتی بی‌طرف پیوند می‌زند. به زبان ساده‌تر، اگر بگوییم ذوقمان به چیزی تمایل پیدا کرده، یعنی آن را ترجیح می‌دهیم. کسب لذت یا شادمانی بیشتر از شیئی خاص به‌دست می‌آید، نه از شیء یا اشیای دیگر. روشن است که همهٔ افراد از اشیای همانند لذت نخواهند برد. بی‌شک، آنهایی که از هنجارهای تثبیت‌شده دوری می‌جویند، بدسلیقه محسوب می‌شوند (کورسمایر، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۴۷). روزمرگی شخصیت اصلی داستان (زن) همراه با تخیل در طول داستان در جریان است. در آشپزخانه، وقتی‌که به کُپّهٔ ظرف‌های انبارشدهٔ نَشُسته نگاه می‌کند، صدای مرد را در خیال می‌شنود که جمله‌ای را مدام در گوش زن زمزمه می‌کند: «بوی مغازه‌های بندرعباس می‌دی». «بوی مغازه‌های بندرعباس» چندین‌بار در این داستان تکرار می‌شود، درحالی‌که در طول داستان به شهر و مکان خاصی اشاره نشده است. البته، این ممکن است نشانه‌ای مبنی بر زادگاه شخصیت اصلی داستان باشد، ولی قرینه‌ای بر دریافت این موضوع در داستان به‌چشم نمی‌خورد. آنچه اهمیت دارد این نکتهٔ زیبایی‌شناختیِ تشبیه عطرِ تنِ شخصیت اصلی به بوی مغازه‌های بندرعباس است که از ویژگی‌های زیبایی‌شناختی زیست‌بوم داستان به‌شمار می‌رود. «بوها» تشخّص دارند، معنا دارند و از زندگی روزمرهٔ انسان از دورهٔ کهن تا امروز جدانشدنی بوده‌اند و در زندگی مدرن هم سهم بسیاری از جنبهٔ اصیل زیبایی‌شناختی را برعهده می‌گیرند. آنچه در این داستان مهم است، هربار جرقهٔ رابطهٔ عاطفی بین آنها با بویی زده می‌شود که از بُعد زیبایی‌شناسی اخلاقی قابل تأمل است. با این شیوه نویسنده توانسته است تداوم عشق و ارتباط عاطفی همسران را ترسیم کند.

٤. ۳. ۵. رقص از نگاه زیبایی‌شناسی زندگی روزمره

رقص از هنرهای نه‌گانه در جهان است و قدمت آن از بُعد تاریخی با زیبایی‌شناسی برابری می‌کند. زیبایی‌شناسی فلسفی رقص را می‌توان در سه بخش توصیف کرد که هریک اساساً به رقص به‌مثابهٔ نوعی قالب هنری یا به رقص‌هایی که اثر هنری دارند می‌پردازد: نخست، رقص عموماً در بسیاری از موضوعات با زیبایی‌شناسی فلسفی وجه‌اشتراک دارد؛ مثلاً، توجه به نقش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

نیّات هنرمند در فهم آثار هنری، حتی در نوع خاصی از رقص، یعنی تویست، یادآور طراحان رقص است. به‌همین‌ترتیب، الزامات زیبایی‌شناختی عام ماهیتاً در زیبایی‌شناسی رقص تکرار می‌شود، اما توجه به رقص به‌مثابهٔ هنر تقابلی را نشان می‌دهد بین علاقه، درک، داوری و هرآنچه مناسب هنر است که گاه به آن تقابل بین اثر هنری و امر زیبا می‌گویند. در بخش دوم زیبایی‌شناسی رقص، هرقدر هم که تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، برخی مباحث آن با دیگر هنرهای اجرایی مشترک است؛ زیرا رقص مهمان زیبایی‌شناسی است و می‌خواهد جای خود را پیدا کند. سوم اینکه زیبایی‌شناسی رقص موضوعات خاص خود را دارد که برای شناخت آن از مباحث دیگر بخش‌های زیباشناسی و فلسفی استفاده می‌شود (مکفی، ۱۳۸۶: ۴۰۵). «رقص» در این داستان عنصر اصلی است و عنوان داستان هم بر این امر صحه می‌گذارد، هرچند رقص در بافت خانواده‌های مذهبی‌ـسنّتی ایران زشت به‌شمار می‌آید و برخلاف عقاید خانوادهٔ همسر شخصیت اصلی است، اما او مرتب صدای همسرش را می‌شنود که: «محلشون نذار». این جمله پشت‌کردن به آیین‌های یک خانوادهٔ سنّتی است. او می‌خواهد برقصد و مثل مردها سیگار بکشد و غرغرهای عزیز و آقاجون را نشنود که می‌گویند: «خوبیت نداره!» و به‌جایش صدای مرد را بشنود که می‌گوید: «محلشون نذار... محلشون نذار». تمام تضادهای این داستان جنگ بین سنّت و مدرنیته است. از ویژگی‌های زیبایی داستان است که هنر را دست‌مایهٔ زندگی روزمره قرار می‌دهد تا خواننده با درک آن داوری کند. ضمن اینکه انتظار می‌رود آن درک به زیبایی بینجامد: «محلشون نمی‌ذارم. یه نوار رقص هندی می‌ذارم و می‌گم: هندی برقصم؟ هندی برقصم؟ تا صدات بگه: آره...آره» (محب‌علی، ۱۳۸۳: ۱۲). تعامل ذهنی شخصیت اصلی با همسرش از موارد ارزشمند و زیبایی است که زندگی روزمرهٔ او را از امر نازیبا (نبود همسر) به امر والا (حس حضور غیرفیزیکی همسر) تغییر می‌دهد. آنچه از متن داستان و زیست روزمرهٔ اشخاص داستان به خواننده منتقل می‌شود، از این نظر مهم و ارزشمند است که خواننده را به تجربه و ادراک جدیدی از زندگی روزمره می‌رساند.

۵. نتیجه‌گیری

چنان‌که از نظر گذشت، نویسنده در داستان‌های برگزیدهٔ این پژوهش به توضیح صحنه‌ها و فعالیت‌های روزمرهٔ اشخاص داستان پرداخته و در داستان «عتیقه‌ها» با توجه به جزئیات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

فرهنگی و تاریخی، زندگی روزمره را با سنّت و مدرنیته پیوند زده و سعی کرده است امر نازیبا را به امر زیبا پیوند بزند. در سراسر داستان، با تصویرسازی‌های رنگارنگ و توصیفات جذاب سعی کرده است داستان را برای خواننده به یک تجربهٔ بصری زیبا تبدیل کند. در داستان «هندی برقصم»، رقص نشان‌دهندهٔ قدرت و انعطاف‌پذیری زن در مواجهه با تغییرات زندگی است. این تغییر با پایانی ناگهانی و دور از انتظار در خواننده احساس قدرت ایجاد می‌کند؛ زیرا این ترفند در فرجام داستان به پیداکردن یک راه‌حل غیرمنتظره ازسوی شخصیت اصلی می‌انجامد که در زیبایی‌شناسی زندگی روزمره تأثیر فراوانی دارد؛ زیرا ازیک‌سو نماد تغییرات زندگی روزمره است و ازسوی‌دیگر به پویایی زندگی شخصیت اصلی اشاره دارد. ضمن اینکه داستان به ما یادآوری می‌کند که برخی از زیبایی‌های زندگی روزمره در جزئیات کوچک قرار دارند و برای دستیابی به آنها باید بر جزئیات تمرکز کنیم؛ هرچند ممکن است به‌دلیل شتاب‌زدگی اغلب از آنها غافل شویم.

عاشقیت در پاورقی، با گذشت بیش از بیست‌سال از انتشار آن، هنوز متن جسورانه‌ای به‌نظر می‌رسد. عنوان داستان هم براعت استهلالی است که خواننده را به فرجام داستان رهنمون می‌شود. زندگی روزمره در این داستان در بستر پاورقی در قالب یک روایت غیرخطی از یک زندگی مدرن ناپخته شکل گرفته است و تکرار فیلم، برجسته‌ترین اشاره را به زندگی روزمرهٔ افراد دارد. ایجاد تنش و درج مشکلات روزمره نه‌تنها بر جذابیت داستان افزوده، بلکه مشکلات و تنش‌های روابط شخصیت اصلی و عاشقش خواننده را در زندگی روزمره و روزمرگی دقیق‌تر می‌کند تا امر زیبا و امر نازیبای زندگی روزمره را بیشتر درک کند.

پی‌نوشت

1.Olfactory Art
2. Art Happening
3. Participatory

منابع

آداجیان، تامس؛ سارتول، کریسپین (۱۳۹۵). تعریف هنر و زیبایی. *دانشنامهٔ فلسفهٔ استنفورد*. ترجمهٔ فائزه جعفریان. تهران: ققنوس.

احمدی، بابک (۱۳۹۸). *مدرنیته و اندیشهٔ انتقادی*. تهران: آگاه.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

برلیان، آرنولد (۱۴۰۰). *اندیشه‌هایی برای گونه‌ای زیبایی‌شناسی اجتماعی: زیبایی‌شناسی روزمره*. ترجمهٔ شیما بحرینی. تهران: کرگدن.

بشیری، سینا و طاهری، قدرت‌اله (۱۴۰۲). زیبایی‌شناسی و مرگ در رمان *ملکوت* بهرام صادقی. *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*. سال سی‌ویکم. شمارهٔ ۹۴: ۳۳-۵۹.

سایتو، یوریکو (۱۳۹۶). *زیبایی‌شناسی امر روزمره. دانشنامهٔ فلسفهٔ استنفورد*. ترجمهٔ کاوه بهبهانی. تهران: ققنوس.

سایتو، یوریکو (۱۴۰۰). *زیبایی‌شناسی هوا: زیبایی‌شناسی روزمره*. ترجمهٔ شیما بحرینی. تهران: کرگدن.

شایگان‌فر، نادر (۱۳۹۱). *زیبایی‌شناسی زندگی روزمره*. تهران: هرمس.

شلی، جیمز (۱۳۸۶). تجربه‌گرایی. *دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی*. چاپ سوم. تهران: فرهنگستان هنر.

عباسی، حبیب‌الله؛ جعفرزاده، رسول (۱۳۹۸). زبان دوانگارهٔ زیبایی‌شناختی هم‌سان، تصوف و سوررئالیسم. *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*. سال بیست‌وهفتم. شمارهٔ ۸۷: ۱۱۳-۱۲۸.

علایی، مشیت (۱۳۸۷). *جستارهایی در زیبایی‌شناسی*. تهران: اختران.

فدرستون، مایک (۱۳۸۰). زیبایی‌شناختی‌کردن زندگی روزمره. ترجمهٔ مهسا کرم‌پور. *ارغنون*. شمارهٔ ۱۹: ۱۸۷-۲۱۷.

فرجی، سجاد (۱۳۹۲). بازنمایی زندگی روزمرهٔ جوانان در سریال فاصله‌ها. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد دانشگاه صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران. دانشکدهٔ ارتباطات و رسانه.

کرافورد، دانلد دابلیو (۱۳۸۶). کانت. *دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی*. چاپ سوم. تهران: فرهنگستان هنر.

کورسمایر کارولین (۱۳۸۶). ذوق. *دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی*. چاپ سوم. تهران: فرهنگستان هنر.

گلدمن، آلن (۱۳۸۶). امر زیبا. چاپ سوم. *دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی*. تهران: فرهنگستان هنر.

لاجوردی، هاله (۱۴۰۰). *زندگی روزمره در ایران مدرن با تأمل بر سینمای ایران*. چاپ سوم. تهران: ثالث.

لایت، اندرو؛ جاناتان، اسمیت (۱۴۰۰). *زیبایی‌شناسی زندگی روزمره*. ترجمهٔ شیما بحرینی. تهران: کرگدن.

لدی، تام (۱۴۰۰). *ماهیت زیبایی‌شناسی زندگی روزمره*. ترجمهٔ شیما بحرینی. تهران: کرگدن.

محب‌علی، مهسا (۱۳۸۳). *عاشقیت در پاورقی*. تهران: چشمه.

مدرسی، فاطمه (۱۳۹۰). *فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مکفی، گراهام (۱۳۸۶). رقص. چاپ سوم. *دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی*. تهران: فرهنگستان هنر.

موسوی، مریم (۱۳۹۳). *نقد فرمالیستی با محوریت داستان دههٔ هفتاد*. تهران: افراز.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

موسوی جشوقانی، مریم (۱۴۰۱). نقد تطبیقی زیباشناختی داستان‌های کوتاه نویسندگان زن در ادبیات معاصر و روسیه. پایان‌نامهٔ دکتری. دانشگاه کاشان.

مهرگان، امید (۱۳۸۲). *زیبایی‌شناسی انتقادی: گزیدهٔ نوشته‌هایی درباب زیبایی‌شناسی از والتر بنیامین. هربرت مارکوزه و تئودور آدورنو*. تهران: گام‌نو.

مینارد، پاتریک (۱۳۸۶). عکاسی. *دانشنامهٔ زیبایی‌شناسی*. چاپ سوم. تهران: فرهنگستان هنر.

هاپالا، آرتور (۱۴۰۰). *زیبایی‌شناسی زندگی روزمره. درباب زیبایی‌شناسی زندگی روزمره: آشنایی، غریبگی و معنی مکان*. ترجمهٔ شیما بحرینی. تهران: کرگدن.

ولف، ورنر (۱۳۸۸). توهم زیبایی‌شناختی به‌عنوان یکی از تأثیرات داستان. ترجمهٔ شهاب‌الدین امیرخانی. *زیباشناخت*. شمارهٔ پیاپی ۲۰: ۳۹۳-۴۳۴.

Saito, Yuriko (2007). Aesthetics of the Everyday. Online ISBN: 9780191 7001.

References In Persian

Abbasi Habibollah; Jafarzadeh, Rasul (2019). The Language of Two Homologous Aesthetic Notions: Sufism and Surrealism. *Persian Language and Literature of Kharazmi University*, Vol. 27, 87: 113-128. [In Persian]

Adajian, Thomas; Sartwell, Crispin (2016). The Definition of Art and Beauty. *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Translated by Fāezeh Jafari. Tehran: Ghogqnoos [In Persian]

Ahmadi, Bābak (2019). *Modernity and Critical Thinking*. Tehran: Āgāh. [In Persian]

Alāyi, Mashiyyat (2008). *Essays in Aesthetics*. Tehran: Akhtarān. [In Persian]

Berleant, Arnold (2021). *Ideas for a Social Aesthetic: Everyday Aesthetics*. Translated by Shima Bahraini. Tehrān: Kargadan. [In Persian]

Bashiri, Sinā; Tāheri, Ghodrat-Allah (2023). Aesthetics and Death in Bahrām Sādeghi's "*Malakut*". *Persian Language and Literature of Kharazmi University*. Vol. 31, No. 94: 33-59. [In Persian]

Faraji, Sajjād (2013). Representation of Everyday Life of Youth in the Series "Gaps." Master's thesis, IRIB University, Faculty of Communication and Media. [In Persian]

Federston, Mike (2001). Aestheticizing Everyday Life. Translated by Mahsā Karampour. *Arghanoon*. No. 19: 187-217. [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]
[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

Goldman, Alan (2007). The Aesthetic object. 3rd Edition. *Encyclopedia of Aesthetics*. Tehrān: Academy of Arts. [In Persian]

Hapala, Arthur (2021). *Aesthetics of Everyday Life. Regarding the Aesthetics of Everyday Life: Familiarity, strangeness, and the Meaning of Place*. Translated by Shimā Bahreini. Tehrān: Kargadan. [In Persian]

Korsmeyer, Carolyn (2007). Taste. *Encyclopedia of Aesthetics*, 3rd Edition. Tehran: Academy of Arts. [In Persian]

Lājevardi, Hāleh (2021). *Everyday Life in Modern Iran with Reflections on Iranian Cinema*. 3rd Edition. Tehrān: Sāles. [In Persian]

Ledy, Tom (2021). *The Nature of Aesthetics of Everyday Life*. Translated by Shimā Bahreini. Tehran: Kargadan. [In Persian]

Light, Andrew; Smith, Jonathan (2021). *The aesthetics of Everyday Life*. Translated by Shimā Bahreini. Tehrān: Kargadan. [In Persian]

Maynard, Patrick (2007). Photography. *Encyclopedia of Aesthetics*. 3rd Edition. Tehrān: Academy of Arts. [In Persian]

McFee, Graham (2007). Dance. *Encyclopedia of Aesthetics*. Tehrān: Academy of Arts. [In Persian]

Mehregān, Omid (2003). *Critical Aesthetics: Selection of Writings on Aesthetics by Walter Benjamin, Herbert Marcuse, and Theodor Adorno*. Tehran: Gām-e No. [In Persian]

Modarresi, Fātemeh (2011). *Descriptive Culture of Literary Criticism and Theories*. Tehrān: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Mohebb-Ali, Mahsā (2004). *Āsheghiat dar pāvaraghi* (*Love in the* footnote). Tehrān: Cheshmeh. [In Persian]

Musavi Jashvaghāni, Maryam (2022). Comparative Aesthetic Critique of Short Stories by Female Authors in Contemporary Literature and Russia. PhD Dissertation. Kāshān University. [In Persian]

Musavi, Maryam (2014). Formalist Critique with a Focus on the Stories of Seventies decade. Tehrān: Afrāz. [In Persian]

Saito, Yuriko (2017). Aesthetic of the Every Day. *Stanford Encyclopedia of philosophy*. Translated by Kāveh Behbahāni. Tehran: Ghogqnoos. [In Persian]

Saito, Yuriko (2021). *Aesthetics of Air, Everyday Aesthetics*. Translated by Shimā Bahreini. Tehrān: Kargadan. [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.96.19.7]

[DOI: 10.61186/jpll.32.96.155]

Shelley, James (2007). Empiricism. *Encyclopedia of Aesthetics*, 3rd Edition. Tehrān: Academy of Arts. [In Persian]

Wolf, Werner (2009). Aesthetic Illusion as one of the Effects of the Story. Translated by Shahāb-Aldin Amirkhāni. *Zibāshenākht*. Issue No. 20: 393-434. [In Persian]